آیین

جشن انگور و آیین دوشاب‌پزان در ارومیه

علی خوش تراش

■ تنوع اقلیمی و آب و هوایی در ایران موجب شـده تا هر اسـتان و خطه‌ای از کشور به محصولات خاصی چه کشاورزی و چه انواع صنایع معروف شود. این محصولات که به زبان عرف به سوغات و سوغاتی معروفند در واقع تامین‌کننـده و منبـع اصلی درآمدهـای اقتصادی هر منطقه‌ای به شمار می‌آیند و تا زمانی که منابع درآمدی مـردم تغییر نکنـد نه‌تنها محصولات خاص منسـوخ نمی‌شوند بلکه چه به لحاظ کیفی و چه کمی با تحولات اساسی روبه‌رو خواهند شد.

در بسـیاری از مناطق ایران سـالانه شاهد برگزاری آیین‌های مختلفی هستیم که دقیقا تحت تاثیر وضعیت معیشـتی و اقتصادی رایج در آنجا قرار دارند. البته این خرده آیین‌ها را اگر بخواهیم در قیاس آیین‌ها و جشن‌های کلانی چون جشن نوروز قرار دهیم، خواهیم دید که پر بیـراه نگفته‌ایم. به عنوان مثال اگر بخواهیم نگاهی اجمالی به تبادلات اقتصادی در جشن پایان سال داشـته باشیم بی‌شک به ارزش و تاثیر عنصر اقتصاد به عنوان رکن اصلی هر آیینی از این دست پی خواهیم برد.

جشن انگور و آیین دوشاب‌پزان در استان آذربایجان غربی و خصوصا شـهر ارومیه که به جشـن «شانادر» معروف است، یکی از مراسمی است که ریشه در اقتصاد و وضعیت درآمدی مردم استان دارد.

این جشـن و آیین مربوط به آن به لحاظ تاریخی از سابقه بسیار دیرین برخوردار است. از زمانی که مردم این دیار انگور را به عنوان محصول ویژه و ممتاز انتخاب کردند و دست به ایجاد تاکستان‌ها زدند، این جشن و آیین به مرور به عنوان یک سـنت در میان‌شان رواج پیدا کرد. فصل رسیدن انگور در آذربایجان معمولا اواخر شهریور تا اواسط مهر است و به همین منظور این جشن و آیین بنا بر شـرایط آب و هوایی سـالانه در منطقه‌ای در این محدوده زمانی برگزار می‌شود زیرا برگزاری آن بستگی به این دارد که انگور ارومیه کی رسـیده و قابل برداشت باشد. هنگامی که انگورها می‌رسند باغداران دو، سه روز پیشتر اقوام خود را برای شرکت در جشن برداشت انگور دعوت می‌کنند. اغلب میهمانان بنا بر سنت دیرین در آن روز لباس سـفید پوشیده و در جشن شرکت می‌کنند. نکته جالب اینجاست که افرادی که همه ساله در مراسم شرکت می‌کنند در روز یاد شده هر کجا که باشند خود را به جشـن می‌رسانند و معتقدند که از برکات ویژه آن روز باید برخوردار شـوند. با اذن و اجازه صاحب باغ همه میهمانان سفیدپوش با ذکر دعا و ادعیه پا در تاکستان می‌گذارند و با شـادی و شعف وصف‌ناپذیر خوشه‌های طلایی انگورهای رسیده را یکی‌یکی در سبدهایی که با ترکه‌های بید بافته شـده‌اند می‌گذارند و در تمام مدت چیدن انگورهـا، آنهایی که خوش‌صداترنـد ترانه‌های عاشقی‌های دل‌سوخته را می‌خوانند تا میهمانان با شور و حرارت بیشتری انگورها را بچینند و در سبدها بگذارند.

آن روز همه باغداران برای ناهار جشن، آبگوشتی از گوشـت خروس‌های جوان تهیه می‌کنند که این نیز از سنت‌های دایمی جشن انگور در آذربایجان است. البته این موضوع ناگفته نماند که خوردن گوشت خروس در جشـن‌ها و اعیاد مختلف در سراسر ایران و فلات ایران امری بسیار دیرین و رایج است و ریشه در فرهنگ دیرین و کهـن ایرانی دارد که می‌تـوان در این میان به قربانی کردن خروس سـفید در اولین روز بهـار در ماوراءالنهر اشـاره کرد. یکی از مهم‌ترین نکاتی که در این روز مورد توجه همه شرکت‌کننده‌ها قرار دارد، این است که با تمام وجودشان سعی می‌کنند دانه‌ای از انگورها از خوشه جدا نشود و روی زمین نیفتد زیرا این امر را گناه و ناشکری از نعمات پروردگار می‌دانند. هنگام عصر کم‌کم سبدهای انگور را بـه مکانی دیگر انتقال می‌دهند تـا در آنجا از انگورها شیره انگور تهیه کنند. پس از تهیه شیره انگور که توسـط پسـرهای جوان صورت می‌گیـرد و پس از جداکردن تفاله‌ها، شیره انگور را در ظرف‌های بزرگی که «چرز» گفته می‌شوند، می‌ریزند. در حین ریختن شیره انگور به داخل ظرف، خاکی معدنی که به خاک سـفید معروف اسـت، می‌ریزند تا بعد از واکنش‌هایی عملیات صافی و جدا شـدن ناخالصی انجام بگیرد، پس از انجام این کار، شیره‌های صافی شده را داخل ظرفی دیگر به نام «تیان» می‌ریزند تا آن را برای تهیه دوشاب انگور بپزند.

فردای پختن دوشـاب، زنان محل به صورت دسته جمعـی به خانه‌هـای باغداران می‌آینـد و به صاحبان باغات تبریـک می‌گویند. پس از تهیه دوشـاب، زنان خانـه از تفاله‌های به جا مانـده از انگورها اقدام به تهیه سرکه می‌کنند. در این هنگام معمولا سراغ افراد خاصی می‌روند تا در تهیه سرکه به آنها کمک کنند زیرا معتقدند که از دست هرکسی سـرکه عمل نمی‌آید و تنها افراد خاصی می‌توانند از تفاله‌ها سرکه عمل بیاورند و حتی بر این باورند که نباید به سرکه چشم زخمی برسد زیرا هم شگون ندارد و هم موجب می‌شود که سرکه خراب شود.

ایـن آیین در میان مردم آذربایجان به «شـانادر» و در میان مسیحیان جلفا به «اوشانا» شهرت دارد. جشن انگور که در ۲۵ شـهریور هر سال برگزار می‌شود، آیین خاص مسـیحیان منطقه است که در کلیساها و همراه با عشـای ربانی برگزار می‌شـود. در این جشـن که در حقیقت جشن شکرگزاری برداشت انگور است، کشیش پس از تقدیس یک خوشـه انگور سفید دانه‌های آن را در دهان حاضران می‌گذارد و بدین‌ترتیب خوردن انگور برای پیروان مسیحیت آزاد می‌شود. به اعتقاد مسیحیان خوردن انگور قبل از آنکه به طور کامل رسـیده باشـد، اسراف محسوب شده و مسیحیان باید از آن احتراز کنند.

در آذربایجـان غربی نزدیک بـه ۲۰ هزار هکتار باغ انگـور وجود دارد که سـالانه نزدیک بـه ۲۰۰ هزار تن محصول برداشت و به مصرف کارخانه‌های آبمیوه و تهیه کشمش و دوشاب می‌رسد.

تخلفات از قانون در تخصیص اعتبارات خشکسالی

اعتبارات خشکسالی همدان برای ساخت پل هزینه شد

مرتضی گلپورسوته

عکس: ایرنا

چند سالی است که آسمان بالای سر، قهرش گرفته و بارانش را از ما دریغ می‌کند. دقیقا ۹سال است که خشکسالی بی‌وقفه و پشت سر هم بر ما نازل شـده و رمق را از خاک و گیاه سـرزمین ما گرفته است. ۹سال خشکسالی بی‌امان ضربه‌های هول‌انگیزی بر پیکر منابع طبیعی کشـور اعم از جنگل‌ها و مراتع وارد کرده اسـت. کشاورزی ما هم از این ضربه‌ها بی‌نصیب نماند. در برخی نقاط مانند برخی نقاط سیستان و بلوچستان کشاورزان اصلا نتوانستند چیزی بکارند و در برخی نقاط هم که محصولی کاشـتند، چیزی برداشت نکردند. اندک کسـانی هم که محصولی برداشت کردند، حتی نتوانسـتند بدهی‌های خـود را به بانک‌ها بپردازند و به این ترتیب سال به سال به بانک‌ها بدهکارتر می‌شوند.

با همه مشقت‌هایی که کشاورزان و عرصه‌های جنگلی و مرتعی کشـور با آن روبه‌رو هستند، گویا بـاد قانون‌گریزی‌هـای دولت به سـمت اعتبارات خشکسالی هم وزیده اسـت. در شرایطی که همه نگاه‌ها به سمت تهران برای گرفتن اندک پولی برای کمک به نجات جنگل‌ها و مراتع و حتی کشاورزی اسـت، خبر می‌رسد که دولت اعتبار خشکسالی را برای سـاخت پل در همدان هزینه کرده. به همین دلیل است که به قول مدیرکل منابع طبیعی همدان از ۴۵میلیارد اعتبار خشکسالی فقط ۶۰۰میلیون تومان به منابع طبیعی اختصاص داده شد.

نابودی ۳۰درصد پوشش گیاهی مراتع استان همدان

اوضاع جنگل‌ها و مراتع تعریفی ندارد. بسیاری از جنگل‌های دست‌کاشت که سال‌ها آب، پول و توان انسانی صرف کاشت و داشت آنها شده است، امروز در معرض آسیب‌های جدی هستند. فردوس خراسان جنوبی فقط یک نمونه از این مناطق است که همه هشـت‌هزار هکتار جنـگل دست‌کاشـت آن در معرض خشکیدگی و نابودی است.

در اسـتان همدان نیز مدیرکل منابع طبیعی این استان به «شرق» می‌گوید: ۳۰درصد پوشش گیاهی مراتع استان خشک شـده و از بین رفته‌اند. محمدرضا همتی اضافه می‌کند: علوفه مراتع استان به شدت کاهش یافته است و علاوه بر آنکه دامدار از این موضوع ضرر می‌بینند، در درازمدت استان در تامین گوشت با مشکل مواجه می‌شود. او همچنین می‌گوید: چهارهزار هکتار از جنگل‌های دست‌کاشت استان با کمبود شدید آب مواجه بوده و در معرض خشکیدگی هستند. در حال حاضر با تانکر به این جنگل‌ها آب می‌رسانیم، اما این کار جوابگوی شدت خشکسالی نیست و تاثیر خشکسالی شدیدتر از آن است که این کار بتواند همه جنگل‌های دست‌کاشـت را حفظ کنـد. به گفته همتی، علاوه بر جنگل‌های دست‌کاشت، درختان ۳۸هزار هکتار جنگل طبیعی استان نیز طراوت و تازگی ندارند و رشد خود را از دست داده‌اند. او تاکید می‌کند که اداره منابع طبیعی با چنگ و دندان در حال حفظ جنگل‌های دست‌کاشت است.

اعتبارات به مثابه نوشداروی پس از مرگ سهراب

با جدی‌تر شـدن بحران خشکسـالی در سـال‌های اخیر، دولت در بودجه‌های سـالانه ردیفی را تحت عنوان «اعتبارات خشکسـالی» تعییـن کرده کـه مبالـغ آن صـرف مقابله با خسارت‌های خشکسـالی می‌شود. اما امسال با تاخیر دولت در تقدیم لایحه بودجه به مجلس، بودجه سال ۹۰ با گذشت دو ماه از سال تصویب شد. تاخیر در تصویب بودجه باعث شد تا سایر روال‌های آن یعنی تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل آن با تاخیر چند مرحله‌ای روبه‌رو شوند. چنین شد که اکنون در حالی که فصل زارعت رو به پایان اسـت و نیمه اول سال را هم پشت سر نهاده‌ایم، هنوز اعتباری به خشکسالی استان‌ها تخصیص نیافته است. به این ترتیب می‌توان حال کشاورزان کشور را دریافت که چه روزهای سـختی را سپری می‌کنند. نمایندگان مجلس نیز در پاسـخ به در خواسـت‌های مکرر مردم برای پیگیری، تاخیر دیرهنگام در تصویب بودجه را مثال می‌آورند و به مردم می‌گویند که کاری از دست آنها ساخته نیست. همه راه‌ها به دولت ختم می‌شود. منابع طبیعی، جنگل‌ها و مراتع کشور نیز با این مشکل دسـت به گریبان هستند. تجربه همدان و آن‌گونه که مدیرکل منابع طبیعی استان می‌گوید، اعتبارات خشکسالی منابع طبیعی هم، با وجود آنکه خشکسالی کار خود را کرده است و اساسا فصل خشـک سال در حال سپری شدن است، کم از حال کشاورزان ندارد. محمدرضا همتی در این‌باره می‌گوید: امسال هنوز خبری از اعتبارت خشکسـالی نیسـت و اصلا معلوم نیست که سهم منابع طبیعی از این اعتبارات چقدر است، برای اینکه هنوز هیچ اعتباری نیسـت که بتوان آن را میان دستگاه‌ها تقسیم کرد یا برای آن تصمیم گرفت. همتـی ادامه می‌دهد: مدیرکل بحران استان همدان در حال پیگیری برای گرفتن اعتبارات خشکسالی از وزارت کشـور اسـت، چون سـتاد بحران قبول نمی‌کند که همدان نیز در معرض خشکسـالی اسـت و این را قبول ندارد. این مسوول استانی منابع طبیعی به یک چالش دیگر در زمینه اعتبارت خشکسالی نیز اشاره می‌کند که دشواری وضعیت را دو چندان می‌کند. او می‌گوید: در گذشته این اعتبارات در اختیار اسـتانداری‌ها قرار می‌گرفت و استانداری‌ها بر حسب ضرورت اعتبارات را به دستگاه‌های مختلف اختصاص می‌دادند اما امروز همه این تصمیم‌گیری‌ها به سـتاد بحران وزارت کشور منتقل شده و این ستاد است که به صورت جز به جز اعتبار مورد نیاز هر بخش اعم از کشاورزی یا منابع طبیعی هر استان را تعیین می‌کند. به گفته او به همین دلیل در سـال گذشته از مجموع ۴۵ میلیارد تومان اعتبار خشکسالی استان همدان، فقط ۶۰۰ میلیـون تومان آن به منابع طبیعی اختصاص یافت. رقمی که همتی می‌گوید با توجه به شدت خشکسالی اصلا کافی نبود.

هزینـه اعتبارات خشکسـالی، هـر جایی غیـر از منابع طبیعی

مساله جنگل‌ها، مراتع و حتی کشاورزان فقط این نیست که به رغم پایان فصل کشاورزی هنوز کمک اعتباری دولت نرسیده است یا دولت درست در فصل گرما منابع طبیعی همدان را در هجوم خشکسالی تنها گذاشته است. یک مساله دیگر که شاید جدی‌ترین مشکل باشد، این است که آسیب‌های تخلف دولت از قانون به منابع طبیعی هم سرایت کرده است. در سال گذشته دولت بخشـی از اعتبارات خشکسـالی منابع طبیعی استان همدان را برای ساخت پل ورودی شهر همدان اختصاص داده است. این موضوع در نامه علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسـلامی به محمود احمدی‌نژاد به صراحت آمده است و از آن به عنوان تخلف دولت از قانون یاد شـده است. در بخش‌هایی از نامه‌ای که علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی به شـماره ۳۱۳۲۹هـ/ب و در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۹۰ خطاب به احمدی‌نژاد رییس‌جمهور نوشـته، آمده اسـت: «بازگشت به رونوشت تصویب‌نامه هیات محترم وزیران به شماره ۱۹۴۶۴۸/ ت۴۵۷۱۸هـ مورخ ۱۳۸۹/۸/۳۰، موضوع «اسـتفاده از اعتبار موضوع جزء «ب» بند (۹) قانون بودجه ۱۳۸۹ کل کشور..». از آنجا که بر اساس جزء «ب» بند (۹) قانون مذکور اعتبار موضوع این جزء صرفا به منظور پیشگیری، مقابلـه و جبـران خسـارات ناشـی از حوادث غیرمترقبه و مدیریت خشکسـالی، قابل هزینه است، بنابراین، بندهای «پ» درخصوص تکمیل مصلای تهران، درخصوص برقراری خط اعتباری در کارت سوخت خودروهای حمل و نقل عمومی، «چ»، «ح» و «خ» درخصوص هزینه‌های ناشی از هدفمندسازی یارانه‌ها، «ر» در خصوص تسهیلات اعطایی به سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، «ژ» درخصوص ماموریت‌های سپاه پاسـداران انقـلاب اسـلامی، «س» درخصوص منطقه آزاد قشم، «ش» درخصوص اماکن مورد نیاز نهـاد ریاسـت‌جمهوری و «ف» درخصوص پروژه پل ورودی شـهر همـدان، «ق..» . و «ک» در مورد تامین قیمت تمام‌شده خرید یک دستگاه هواپیما برای نهاد ریاست‌جمهوری، چون موضوعا خـارج از شـمول عناوین و مصادیـق موردنظر قانون‌گذار اسـت، مغایر با قوانین مذکور است.» به این ترتیب مشخص می‌شـود که دولت دهم در سال گذشته بخشـی از اعتبارات خشکسالی را در جاهایـی غیر از جنگل‌هـا و مراتع و حتی کشـاورزی هزینه کرده اسـت. به ویژه بخشی از اعتبار خشکسـالی منابع طبیعی همدان را برای ساختن پل ورودی شهر اختصاص داده است. این درحالی است که هر سـاله بر شدت خشکسالی و خسارت‌های آن در کشور افزوده می‌شود. محمدرضا همتی مدیرکل منابع طبیعی همدان نیز در این‌باره معتقد است که این تنها بخشی از اتفاقاتی است که برای اعتبارات خشکسـالی می‌افتد و همچون غنایم قابل تقسیم، نمایندگان مجلس شـورای اسلامی از خوان گسترده «اعتبارت خشکسالی» دسـت خالی بر نمی‌گردند و لقمه‌ای می‌گیرند. همتی می‌گوید: متاسفانه سال گذشته نماینده‌ها از محل اعتبارات خشکسالی برای پروژه‌های روستایی پول گرفتند. او اضافه می‌کند: علت اصلی این است که اساسا منابع طبیعی و حتی کشاورزی اولویت مسوولان نیست و آنها فقط به هدف‌های کوتاه‌مـدت خود توجه دارند و به فوایـد درازمدت عرصه‌های طبیعی مانند غنی کردن سفره‌های آب زیرزمینی، جلوگیری از فرسایش خاک، هدررفت و تامین علوفه برای دام‌ها توجه ندارند.

همتی می‌گوید: مسـوولان و نماینده‌هـا دنبال پروژه‌هایی هسـتند که بشـود با قیچی آنها را برید یا در آنجا عکس‌های یـادگاری گرفـت و کار تبلیغاتی کرد امـا در پروژه‌های منابع طبیعی که در نقاط صعب‌العبور، در عرصه‌های مرتعی و جنگلی انجام می‌شـود، روبانی نیست که مسـوولان آن را پاره کنند و بـرای خود تبلیغ کنند. اگر در گذشـته فعالان عرصه محیط زیست فکر می‌کردند که نزد مسوولان و مدیران، صنعت نفت و سدسازی نسبت به حفظ و گسترش جنگل‌ها و مرتع از اهمیت بالایی برخوردار هستند، امروز باید با این حقیقت روبه‌رو شوند که ارزش منابع طبیعی حتی از ساخت یک پل در شهر همدان نیز کمتر اسـت. از آن بالاتر اصلا مشـخص نیست که در این وانفسـای خشکسالی و مرگ تدریجی جنگل‌ها و مراتع، دولت به چه توجیه و منطقی اعتبارات خشکسالی را صرف پل‌سازی یا سایر کارهای ستادی و عمرانی می‌کند.

تنوع زیستی در بستر حقوق محیط زیست ایران و عهدنامه‌های بین‌المللی

سید محمدزمان دریاباری*

قانون اساسی ایران به محیط زیست، تنوع زیستی و توسعه پایدار رویکرد ویژه‌ای داشته است. اصل ۵۰ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شـود. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیـر آن که با آلودگی محیط زیسـت یـا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است» این اصل به مفهوم توسـعه پایدار پرداخته و «حیات اجتماعی روبه رشـد» را در گرو همبستگی بین «نسل امروز» و «نسل فردا» برمی‌شمارد و می‌توان آن را «مشارکت اجتماعی» نامید.

تنوع زیستی و توسعه پایدار

ماده هشتم کنوانسیون تنوع زیستی بر اهمیت پشتیبانی از زیست‌بوم‌ها و زیستگاه‌های طبیعی و حفظ جمعیت مانای گونه‌ها و توسعه پایدار و سازگار با محیط‌زیست نزدیک به مناطق حفاظت شده تاکید کرده است. قانون‌گذاری برای پاسداری از گونه‌های در معرض خطـر و نابودی، از دیگر وظایف دولت‌ها بر شمرده شـده و در ماده ۱۹ این کنوانسیون بر بهره‌گیری از بیوتکنولوژی (فن‌آوری زیستی) پافشاری شده است. زیرساخت تنوع زیسـتی، حق توسعه و مسوولیت دولت‌ها و پاسداری از منابع طبیعی و محیط زیست است. پاکسازی آب، هوا، خاک به بهینه‌سازی زیست‌بوم جانداران می‌انجامد. حق توسعه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نسل سوم حقوق بشر است که بر پایه بند یک ماده یکم اعلامیه ۱۹۸۶ سازمان‌ملل متحد، حق مسلم بشری است که به موجب آن همه مردم شایستگی مشارکت و سهیم و برخوردار شدن از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به گونه‌ای که در آن همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسـی تامین شـود دارا هسـتند. بیانیه ریو ۱۹۹۲ و بیانیه استکهلم ۱۹۷۲، بر پیوند تنگاتنگ پاسداری از محیط زیست و حق توسعه تاکید و از این پیوند، توسعه پایدار زاده شده است. به اسـتناد اصل نخست بیانیه ریو، انسان‌ها موضوع اصلی هر گونه توسعه‌اند و برخورداری از سلامت و توانایی‌های جسمی و روحی جزو حقوق انسان‌ها در همگونی با سپهر است. بر پایه اعلامیه توسعه هزاره مصوب سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی، تضمین امکان تداوم از نظر محیط‌زیست یکی از مهم‌ترین آرمان‌های توسعه هزاره سوم تا سال ۲۰۱۵ میلادی است. متاسفانه هنوز هم نگرنده ویرانگری گسـترده محیط‌زیسـت و تهدید تنوع زیستی گونه‌های جانوران و گیاهان توسط بسیاری از دولت‌ها و ملت‌ها به بهانه‌های گوناگون صنعتی، بازرگانی و... هستیم. تالاب‌های زیبای جهان همچون تالاب هامون، تالاب گاوخونی و دریاچه‌های زیبایی چون پریشان، ارومیه و... بر اثر حفاری‌ها، سدسـازی‌های غیراصولی، واریز پسـماندها و... می‌خشکند، گونه‌های کمیاب جانوری خشـکزی و آبزی با شکار بی‌رویه یا ویرانگری زیستگاهایشان رو به نیستی‌اند، فیتوپلانکتون‌های بدبو به دریاها و آبراه‌ها به دلیل واریز پسـماندهای صنعتی و طبیعی یورش برده و آسیب‌های فراوان می‌رسانند. امروز بیش از دیروز به مفاد اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها متعهد شده و باید پاسخگوتر باشیم. اما به بهانه‌های واهی به برافروزش جنگ‌ها، انقلاب‌ها و سـرکوب اعتراض‌های مردمی دامن می‌زنیم و نه بی‌خبـر بلکه باخبر از پایمال کردن حقوق آیندگانیم چرا که بزرگی را سراسـر به گفتار دانسته و از کردار نیک بی‌بهره‌ایم، نیک می‌دانیم که جنگ‌افروزی‌ها و سرکوب‌ها نه‌تنها جان‌ها و روان‌های امروزیان را نشـانه می‌گیرد بلکه بر جان و روان آیندگان نیز اثرگذار است. همگان از اثر ویرانگر بمباران‌هـا، آزمایش‌های هسـته‌ای، جنگ‌های زمینی، دریایی و هوایی بر محیط‌زیست جاندار و بی‌جان باخبریم. همگان از گسـترش بیماری‌هایی که سال‌ها پس از رخدادهای فوق گریبانگیر بشر شده آگاهیم اما بـه علت خودخواهی خود این اصل مسـلم را نمی‌پذیریم که بنی آدم اعضای یک پیکرند.

> **نکته**
>
> دولت جمهوری اسلامی ایران برای پاسداری از محیط‌زیست وظیفه سنگینی بر عهده داشته و باید از ابزارهای حقوقی، اداری، اقتصادی، سیاسی، جامعه‌شناسی و فرهنگی در این راه بهره گیرد

مسـوولیت بین‌المللـی دولت‌هـا در حفاظـت از محیط زیست و تنوع زیستی

کنوانسیون تنوع زیستی مصوب ۱۹۹۲ اجلاس زمین ریو دوژانیـرو که ایـران نیز به موجب ماده واحـده مصوب ۱۳۷۵ مجلس شـورای اسلامی به آن پیوسـته، از مهم‌ترین مقررات بین‌المللی اسـت که بر مسـوولیت دولت‌ها در پاسـداری از زیسـتگاه‌های طبیعی و توسـعه ظرفیت‌هـای علمی و فنی مربوط به تنوع زیسـتی و زیسـت‌بوم‌های زمینـی، دریایی و همچنیـن رفع نیازهای غذایی، بهداشـتی و دیگـر نیازهای جمعیتی رو به رشد جهان و تشویق همکاری‌های بین‌المللی برای حفظ تنوع زیسـتی و بهره‌گیـری پایدار از گونه‌ها تاکید کرده است. همچنین دیباچه کنوانسیون تنوع زیستی یکی از زیر ساخت‌های هماستانی دولت‌ها در تصویب این کنوانسیون را در کنار پروا داشتن به ارزش ذاتی تنوع زیستی و ارزش‌های اکولوژیکـی، ژنتیکی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، آموزشـی، فرهنگی، بازآفرینی و زیبایی‌شناسـانه تنوع زیسـتی و اجزای آن، شناخت جایگاه ارزشمند زنان در نگهبانی و کاربرد صحیح تنوع زیستی و تاکید بر نیاز به همدستی فراگیر زنان در همه رویه‌های سیاستگذاری و اجرایی برای نگهبانی از تنوع زیستی دانسـته است. مهم‌ترین سـند در خصوص تغییرات آب و هوا مدت‌هاست که در صنعتی‌ترین کشور جهان-نیویورک ۱۹۹۲- به تصویب رسیده است. سندی که به مسوولیت مشترک و نیز جداگانه کشورها در راستای کاستن از اندازه تولید گازهای گلخانه‌ای همچون متان، دی‌اکسـید و مونوکسیدکربن، سـاختن حفره‌های برون‌بر این گازها از جـو اتمسـفر و همچنین توسـعه پایدار اجتماعی و اقتصادی- که همگی تهدیدکننده تنوع زیسـتی به شـمار می‌آیند- اشـاره کـرده و حتی در بند هشـتم ماده چهار آن بر نقش بیشتر کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان در پاسداری از ترکیب جو اتمسفر و بایستگی همیاری این کشورها با کشورهای در حال توسعه و در معرض خطر تاکید کرده است. از تصویب پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون تغییرات اقلیمی بیش از ۱۰ سال می‌گذرد. سندی که به موجب ماده دوم آن بر ارتقای فعالیت‌های پایدار مدیریت جنگل‌ها، جنگل کاری و ایجاد جنگل‌های جدید و محدود کردن یا کاهش گاز متان با بهبود مدیریت مصرف انرژی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تاکید و به موجب ماده نهم آن بر تدوین برنامه‌های ملی تعدیل‌کننده تغییر آب و هوا برای دستیابی به مکانیزم توسعه پاک پافشاری شده و درنهایت به آنجا رسیده‌اند که در بیانیه اجلاس جهانی توسعه پایدار- ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ - به تخریب محیط‌زیست، گسترش بیابان‌زدایی، کاهش آبزیان، اثرات نامطلوب تغییرات آب و هوا در بند ۱۲ گواهی شده است.

مسوولیت دولت در حفظ محیط‌زیست

دولـت جمهـوری اسـلامی ایـران بـرای پاسـداری از محیط‌زیست وظیفه سنگینی بر عهده داشته و باید از ابزارهای حقوقی، اداری، اقتصادی، سیاسی، جامعه‌شناسی و فرهنگی در ایـن راه بهره گیرد. از بعد کیفری، تدوین قوانین بازدارنده از جرایم زیست‌محیطی که اصول و قواعد قانون‌نویسی در آن رعایت شده و ضمانت اجرایی داشته باشد، مهم و اساسی است. جرایم محیط‌زیستی از نظر نوع تاثیر بر محیط به جرایم علیه محیط‌زیست جاندار (گیاه و حیوان) و جرایم علیه محیط‌زیست بی‌جان (هوا، آب، خاک) بخش می‌شوند. متاسفانه از ابزارهای کیفری آن‌گونه که باید در جهت حفظ محیط‌زیست جاندار و بی‌جان اسـتفاده نشده است. به کارگیری مجازات‌هایی چون حبس‌های کوتاه‌مدت و با جزای نقدی (آن‌هم بسـیار اندک) بازدارنـده نیسـت. از نگاه اداری، دولت با در اختیار داشـتن ثروت‌هـای ملی و با توجه به در اختیار داشـتن همه منابع طبیعی با تکلیف دشواری روبه‌رو است. اصل ۴۵ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیسـت، ارث بـدون وارث، اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن عمل کند. تفصیل و ترتیب استفاده از هر کدام را قانون معین می‌کند» تمرکـز اداری، خود منجر به عدم موفقیت کامل در پاسداری محیط‌زیست می‌شود. نگاهی به ساختار اداری تشکیلات نگهبان محیط‌زیست و نقش ضعیف آنها در واکنش نسـبت به تخریب‌های گسترده در عرصه جنگل‌ها، بیشـه‌ها و آلودگی آب رودها، رودخانه‌هـا و... که نمونه‌های عینی آن در سطح شهرها و روستاها بسیار بوده و نمونه آن وارونگی هوا و همچنین مساله فضای سبز شهر تهران (تخریب جنگل خرگوش‌دره، تخریب جنگل لویزان و...) است.

*** وکیل پایه یک دادگستری و رییس هیات‌مدیره موسسه حامیان طبیعت پاک**

گزارش خبری

زباله در پناهگاه امیری و کوه‌های شمیران

داریوش‌شهبازی

■ پناهگاه امیری (گو اینکه خود مخل طبیعت اسـت و بـاری بر دوش آن هرچند نیت پاک‌بانی آن سـتودنی اسـت) در مسیر شیرپلا به قله توچال، جایی نیست که رهگـذر کوچـه و خیابان از آن بگذرد، جایی اسـت که جز کوهنوردی زبده و باتجربه بدان دست نمی‌یابد. زیرا نـه با قاطر و الاغ می‌توان بدان جا رسـید و نه چون قله توچـال که از تله‌کابین به‌آسـانی راه دارد. بنابراین انبوه دل‌آزار زباله و آشـغال درون پناهگاه، حاصل آمد و شد و اطراق جز کوهنورد حرفه‌ای و ورزشکاری پرتجربه، گناه هیچ قشـر دیگری از جامعه نیست. این رفتار بی‌خردانه برای کوهنورد حرفه‌ای حیرت‌آور اسـت. جای تاسف و دلسوزی است که جمعی از ورزشکاران کوهنورد، آن هم نه مبتدی بلکه حرفه‌ای حاضر به رعایت الفبای موازین و مقررات کوهنوردی این ورزش جسم و جان نباشند و با کژرفتاریشان موجب آلودگی تمامی قله‌ها (از دماوند تا...) و طبیعت ایران شوند. ورزشی که انضباط و ایمان سرلوحه آن اسـت. ورزش در فرهنگ ایرانی جایگاهی والا دارد و برای رسیدن به مقام ورزشکاری باید مراتب متعدد تربیتی و تعلیمی را با تانی و درنگ نزد استاد دلسوز پیمود، زیرا ورزش در این بوم و بر تقویت جسـم و جان را توامان بر عهده دارد. چنانکه حکیم توس فرماید:

ز نیرو بود مرد را راستی/ز سستی کژی زاید و کاستی

هرچند امروز با شیوع ورزش‌های نیمه‌صنعتی و حجم پول در گـردش در آنها، دیگر نبایـد موازین فرهنگی و رسم و آیین کهن ورزش این سـرزمین را از ورزشکاران انتظار داشت، راه و رسمی که به پوریای ولی و شاه ولایت منسـوب بود و رهروانی چون سیدحسـن رزاز و زنده‌یاد غلامرضا تختی و غیره داشت که بر آن آیین متین ایمان و باور داشـتند، زمین ورزش را با اخلاص می‌بوسیدند و دست مصدوم حریف را برای کسب پیروزی نمی‌گرفتند اگرچه خدعه و فریب باشد. همین است که امروز ورزشکار ما رعایت آن آیین را کهنه و بی‌مصرف می‌پندارد و پیامد اعتقاد و رفتار اوسـت که ۵۰، ۶۰ هـزار جوان در میدان ورزشی به جای تشویق به مربی و داور و ده‌ها فرد گرانقدر دیگر اهانت و فحاشـی می‌کنند، بی‌آنکه آن بزرگواران را ککشـان بگزد. رشـته کوه البرز و قلل سرفرازش چون دماوند و توچال و غیره میلیون‌ها سال است که همچنان استوار و مغرور پهن‌دشت فلات ایران و کرانه‌های خرم و همیشه‌بهار دریای مازندران را نظاره‌گر بوده است و نگاهبان و قرون اعصار را سرفرازانه تا امروز راه پیموده است، اما با روند خرابی‌ای که امروز ما در پیش گرفته‌ایم زمان زیادی طول نخواهد کشید که این آثار ارزنده را نابودش خواهیم کرد. اگرچه در اسطوره‌ها و متون کهن از تقدس‌شان یاد شده باشد. این آثار ارزشمند، جزو میراث طبیعی این مرز و بوم است. زمان زیادی نمی‌گذرد که به میراث طبیعی کشور توجه می‌شود و با تدوین دستورالعمل ثبت میراث طبیعی و با تعیین موازین و ضوابط مربوط مسوولان سعی در حفـظ آن دارند. کاری که بر پایه تعاریف مبنایی ارایه شده در کنوانسیون‌ها و دیگر پیمان‌های یونسکو تبیین و تعیین شـده است. در این سال‌ها دیگر منظور از میراث فرهنگی فقط آثار مادی نیسـت بلکه جنبه‌های طبیعی و معنوی آن مهم‌تر از جنبه‌های مادی قلمداد می‌شـود، زیرا آثار مـادی، خود متاثر از محیط پیرامون و طبیعت و نیز جنبه‌های معنوی اسـت. امـروزه میراث فرهنگی، آمیزه‌ای پیچیده از طبیعت و تاریخ، آداب و رسـوم، زبان و سنت‌هاست. میراث فرهنگی، در شمار مهم‌ترین عوامل توجیه‌کننـده و بیان‌کننده هویت ملـی و اجتماعی هر ملت اسـت. بر این اسـاس حفاظت و نگهداری آنها جدا از وظایف دولت‌ها از اهم وظایف شهروندی است. در این امر نقش مردم و مشارکت سکنه بومی بسیار مهم است. به‌تازگی تعدادی از آثار طبیعی چون؛ کوه دماوند، چشمه باداب سورت، سرو ابرکوه، سرو مهرگان، پنج درخت چنار پیر همدان، چنار مسـجد باغـوار و درخت‌های بیش از ۱۲۰۰ساله چشمه‌ها و غار و کوه‌های میلیون‌هاساله ثبت شده و در فهرسـت میراث طبیعی ایران به ثبت رسیده اسـت. این تلاش و کوشـش و این نوع اقدام‌ها در جای خود، بسیار مهم و لازم است، اما آنچه این مطلب در نظر دارد تا بیان کند، نقش مردم و باور آنان در قبال ثروت ملی اسـت که از دل قرون و اعصار و از پس گزند باد و بوران امروز به دست ما امانت سپرده شده تا چون آبا و اجدادمان به نسل‌های بعد بسپاریم. روابط و مناسبات متقابل آدمی با محیط زیسـت در گذشته که نه کنوانسیونی بود و نه مقررات و ضوابطی و نه دولت‌ها دخالت داشتند، به گونه‌ای دیگر جریان داشت. روابط مهربانانه و منطقی‌ای بین انسان و محیط زیسـت برقرار بود. شغ